



«سرآمدان ایثار» در آیین توجیفات رهبر معظم انقلاب

## در برابر دشمن، ایثارگران خاکریز اولند و خانواده‌های آنان خاکریز دوم...

عرض می‌کنم که ما هنوز قادر نیستیم عظمت کار این شهدای عزیز را درست تشخیص بدهیم. آیا می‌دانید که این شهدای بزرگوار ما همین جوانان فداکار ما، همین بسیجی مؤمن پرشور عاشق وش ما، یا ارتشی و سپاهی ما، چه عظمتی در دنیا و در تاریخ آفریده‌اند؟

من همیشه به خانواده‌های شهدا گفته‌ام که شهدای ما خط مقدمند؛ پشت سر شهدا، خانواده‌هایشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه می‌شویم و چه می‌بینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را می‌گفت. خیلیها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد می‌شنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید.

در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندانشان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمی‌توانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگاهداشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله یک نهضت، همچنان زنده می‌ماند.

من به شما عرض می‌کنم که ای پدران و مادران و همسران و فرزندان و خواهران شهدا! این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله حفظ کرده‌اید. دنیا تاریک و پر از ظلم است. ملت‌ها تنه‌ایند و احتیاج به پیشگرمی دارند. روحیه شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه روحیه و پیشگرمی برای ملت‌هاست.

جانبازان عزیز هم شهدای زنده ما هستند؛ چون مثل شهید به میدان جنگ رفته‌اند و مثل شهید ضریب خورده‌اند؛ منتها کرامت الهی آنها را حفظ کرده است. اینها زنده‌اند، اما در رتبه شهیدان. به این عزیزان هم توصیه می‌کنم که این کرامت الهی را برای خودشان حفظ کنند؛ «لذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم»، (۱) باید همیشه آن روحیه‌ی بی که آن‌ها را در میدان نبرد

فداکاریها نبود، این ملت امروز تیره‌روزترین ملت‌های منطقه بود. دیدار با خانواده‌های ایثارگران کاشان، آران و بیدگل، مرداد ۷۰



عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا که دسته‌های گل پروریده در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پریز شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا که مصایب را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود؛ اگر جوانان و نورچشمان شما این طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمی‌رفتند و فداکاری نمی‌کردند؛ امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر می‌بینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر می‌بینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت می‌کنند؛ اگر می‌بینید که نعره الله اکبر بچه مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخت‌های قدرت استکباری را به لرزه در آورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به وسیله فرزندان شما، به وسیله همین خون‌های پاک، به وسیله همین گذشته‌ها و ایثارها به دست آمد. بدون اینها نمی‌شد.

دیدار در جمع خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودان انقلاب اسلامی قم، شهریور ۷۱



ای بسا پدر و مادری که جوان خود را درست نمی‌شناختند. من گاهی که با پدران یا مادران شهدای عزیز درباره شهیدشان گفتگو می‌کنم، آنها به من می‌گویند که فرزندشان تا زنده بود، عظمت روحی او را درست درک نمی‌کردند. جوان آنها، همان کودکی است که او را بزرگ کرده‌اند. پدران و مادران، درست نمی‌توانند عظمت این مجاهد فی سبیل الله را درک کنند؛ بلکه ملت نمی‌تواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد. بنده

من به پدران و مادرانی که عزیزان خود را در میدان نبرد طولانی حق و باطل در این چند سال از دست داده‌اند، به فرزندان که پدران شهید خود را هرگز ندیدند، به همسرانی که سنگینی فراق همسر و یار و غمخوار خود را تحمل کردند، عرض می‌کنم: عزیزان من! با شهادت عزیزانتان، شما خسارت و ضرر نکردید. عزیزان شما اگر از دست شما رفتند، اما در خزانه گرانمایه شهادت الهی، همچنان محفوظ و حاضر و ناظرند. این زندگی می‌گذرد و همه کس خواهد رفت؛ اما آن کسی سرافراز است و برد کرده است که رفتن او از این دنیا، برای مردم و دین و تاریخ و کشورش دستاوردی داشته باشد. چنین انسانی است که خدای متعال او را از ملائکه هم بالاتر دانسته است. دشمن باید از زبان فرزندان شهدا چیزی را بشنود که مثل گلوله‌ای در دلش اثر کند. فرزندان شهدا امروز در همه جا هستند؛ در دانشگاه‌ها، در مدارس، در مراکز کار و مسئولیت، در سطوح مختلف. عزیزان من! هر جا هستید، نگذارید در خشنودی نور شهادت که در خمیره شماست، به وسیله ترندهای دشمنان خاموش شود و افول پیدا کند. به شهادت و راهی که پدران و عزیزان شما در آن به شهادت رسیدند، افتخار کنید و بدانید اگر شهدا و جانبازان نبودند، اگر آن ایثارگرها و



من همیشه به خانواده‌های شهدا گفته‌ام که شهدای ما خط مقدمند؛ پشت سر شهدا، خانواده‌هایشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند!



به پیش می‌برد و به فداکاری وادار می‌کند، حفظ کنند. البته همه دستگاهها موظفند که قدر و ارج این عزیزان -چه خانواده شهدا، چه جانبازان، چه آزادگان، چه خانواده هاشان، چه فرزندان- را حفظ کنند. بالاتر از همه اینها، لطف و تفضل الهی است، که امیدواریم همواره شامل حال شما باشد و بماند. **دیدار با خانواده های ایثارگران استان بوشهر، آذر ۷۲**

□ □ □

اگر من به شهدا احترام می‌کنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا می‌کنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ماست؛ یاد شهدا باید گرامی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های برپاقت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان، اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند تا برای نسل جوان ما و برای آینده کشور ما این پرچم در اهتزاز باقی بماند. دشمن می‌فهمد چه کار می‌کند. آن کسانی که سعی می‌کنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت می‌کنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرامی می‌دارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت می‌کنند. همین روحیه صبر شهیدان عزیز شمامست که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای همدان شما، یک سردار سپاهی که دارای شأن و موقعیتی هم داشت؛ وجود داشته که وقتی مادرش از او می‌پرسد: «تو در سپاه چه کاره‌ای؟» جواب می‌دهد: «من در سپاه جاروکنی می‌کنم.» مادرش خیال می‌کرده واقعا این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم می‌روند و خانواده دختر سؤال می‌کنند پسر شما چه‌کاره است، مادرش می‌گوید: «در سپاه مستخدم است.» بعد در مراسمی، یک نفر داشته سخنرانی می‌کرده، این مادر می‌بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. می‌پرسد: «این شخصی کیست؟» می‌گویند یکی از سرداران سپاه است. آن مادر، آن وقت پسرش را می‌شناسد! ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می‌آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانهای می‌خواهم بگویم: به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها: آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها به حادثه سنگین و کوبنده فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون می‌دانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت می‌کند. من امروز عرض می‌کنم: پدران شهدای ما! مادران شهدای ما! همسران داغدار! آنها! فرزندان! که خیلیها پدران خودشان را ندیدند یا چند صبحا بیشتر ندیدند! جانبازان عزیزی که سلامت خودشان را برای سالهای طولانی از دست داده‌اند! زحمات شما به توفیق الهی و به حول و قوه الهی بر باد نرفت و خدا به تلاش شما برکت داد و کار و کشور و ملت شما را از تنگنای بزرگی نجات داد.

**دیدار با خانواده های ایثارگران استان همدان، آذر ۸۲**

□ □ □

جانبازان در حقیقت شهیدان زنده‌ای هستند که خدای متعال این فرصت را به آنها داده که سلهایی از عمر خودشان را همراه با مجاهدت و آزمایش دشوار بگذرانند. این برادر جانباز، همان برادر شهید ماست. در همان جبهه، در همان منطقه، در همان محوطه، در همان حادثه، مثلاً انفجاری رخ می‌دهد یا تهاجمی از طرف دشمن با گلوله و بمب انجام می‌گیرد؛ یکی از دو نفر در

آن حادثه شهید می‌شود، یکی هم مجروح می‌شود؛ لیکن شهید نمی‌شود. اینها در واقع یک حکم دارند: هر دو با همین انگیزه و با همین نیت رفتند تا در راه خدا جهاد کنند. هر دو تا مرز خطر جانی پیش رفتند، هر دو هم در معرض یک آزمایش قرار گرفتند؛ حالا یکی شهید شد و از دنیا رفت و پرونده تلاش و کارش بسته شد؛ البته پرونده اجر و ثواب بسته نمی‌شود؛ پرونده تلاش و فعالیت و مجاهدت بسته می‌شود؛ یکی هم زنده مانده و پرونده مجاهدت او باز است.

اگر جانبازی در دوران زندگی جانبازی حدود الهی را رعایت و تقوا و پاکدامنی را حفظ کند، آن چنان پاداشی دارد که خدای متعال از او تعبیر می‌کند به اجر عظیم. چیزی را که خدای خالق عظمت از آن به عنوان عظیم یاد کند، پیداست که اجر خیلی بالا و بزرگی است. هر کدام از رنجهای بعد از جانبازی برای شما یک حسنه است و ثبت می‌شود. رنجها، محرومیتها و مشکلات زندگی هر کدام اجری دارند. ما که در مقابل حوادث گاهی



**ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می‌آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانهای می‌خواهم بگویم: به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها: آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها به حادثه سنگین و کوبنده فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون می‌دانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت می‌کند.**

بی‌صبری می‌کنیم، به خاطر این است که نمی‌دانیم این حوادث در سرنوشت نهایی ما پیش خدای متعال چه تأثیری دارند. هر کدام از این سختیها ما به ازای آن اجر و ثواب الهی دارد. نکته بعد مربوط به همسران محترم جانبازهاست که من لازم می‌دانم از آنها تشکر کنم. آنها در رنجهای زندگی یک جانباز، داوطلبانه خودشان را شریک کردند و مشکلاتی را بر خود هموار کردند که پیش خدای متعال اجر دارد. همسران جانبازان اجرشان خیلی بالاست و حقیقتاً ما باید از آنها تشکر کنیم. البته آنها هم باید بدانند که این جانباز یک نعمت خداست در دست خداست؛ و برای آنها؛ چون وسیله اجر و پاداش الهی و جلب رضایت به دست می‌آید؛ همه خیرات عالم این‌گونه است. هیچ کس با

راحتی و تن‌پروری به چیزی نمی‌رسد. نکته دیگر درباره فرزندان جانبازان است. من، هم به فرزندان جانبازانی که این جا هستند، این را می‌گویم، هم به همه فرزندان جانبازان در سراسر کشور و هم به خود پدر و مادرهای اینها؛ یعنی جانباز و همسرش. شما فرزندان جانباز افتخار کنید به این که فرزند کسی هستید که جوانی و سلامت خودش را برای آرمانهای بلند الهی و اسلامی فدا کرده‌است. این افتخار دارد. نگذارید دنیاطلبان، پررو عزیزهای بی‌جهت در جامعه و فرهنگسازهای دست نشاندۀ دشمنان دین و انقلاب، فضا را طوری کنند که فرزند جانباز نتواند افتخار کند. اصل فرزند جانباز است. شما در موضع مهاجم قرار بگیرید. افتخار، متعلق به شماست.

**دیدار با خانواده های ایثارگران استان تهران، مرداد ۸۲**

